**انترناسیونال ۷۴۸**

**محمد آسنگران**

**جنگ عفرین، عواقب آن، نقش دولتها و آینده کردستان سوریه**

دولت فاشیستی ترکیه جنگی را از تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ در شمال سوریه آغاز کرده است. هدف این جنگ از نظر دولت ترکیه تصرف عفرین و تمام مناطق مرزی تا مرز عراق و تا عمق ۳۰ کیلومتر در خاک سوریه اعلام شده است. روز اول جنگ بیش از هفتاد هواپیمای جنگی و صدها تانک و زره پوش و هزاران سرباز مجهز به توپ و انوع سلاحهای کشنده را همراه گروههای تروریستی ارتش آزاد سوریه و دیگر نیروهای اسلامی متحد اردوغان کرد و دیوار سیمانی فی مابین مرز خود و سوریه را برداشت و وارد خاک سوریه شد. (ترکیه از دو سال قبل تا کنون یک دیوار سیمانی بلند با ارتفاع بیش از سه متر را در طول مرز خود با سوریه بنا کرده بود تا مانع هر نوع رفت و آمدی بشود) اما با وجود برتری امکانات نظامی دولت ترکیه و نیروهای اسلامی متحد او هنوز نتوانسته اند پیشروی قابل توجهی داشته باشند.

در اثر این جنگ علاوه بر ویرانیهای گسترده تاکنون دهها نفر از مردم این منطقه و نیروهای ی.پ.گ کشته و تعداد زیادی زخمی و هزاران نفر از مردم عفرین آواره شده اند. با وجود اینکه جنگ وارد پنجمین روز خود شده است هیچ افقی برای پایان دادن فوری به آن دیده نمیشود.

**زمینه های جنگ**

جنگ ترکیه علیه نیروهای حاکم بر عفرین (ی.پ.گ،) ادامه جنگ و جدال نیروهای درگیر در سوریه است. مناقشات و اختلاف منافع دولتهای دخیل در سوریه یکی از پیامدهای کنونیش جنگ عفرین است. دولت ترکیه اگر چه مرز مشترک طولانی با سوریه دارد و به نسبت جمهوری اسلامی و آمریکا و روسیه نزدیکترین دولت از لحاظ جغرافیایی به کشور سوریه است، اما بجز ضرر نفعی از بحران سوریه عایدش نشد. بعد از جنگ شش ساله در سوریه روسیه مهمترین نقش را در سوریه پیدا کرد و بعد از روسیه جمهوری اسلامی ایران نقش اصلی را بازی میکند. هر دوی این دولتها با حمایت از بشار اسد توانستند این دیکتاتور بیرحم را بر تخت ریاست نگهدارند.

ترکیه که اکنون به یکی از متحدین روسیه و همکاران جمهوری اسلامی تبدیل شده است از ابتدا بیش از هر دولتی قاطع و روشن خواهان رفتن اسد بود و نیروهای اسلامی مسلح مخالف اسد را برای سرنگوی او تجهیز کرد.

ترکیه بعد از چهار سال متوجه شد علیرغم همکاری با دولتهای غربی و عربی در مخالفت با اسد هیچ نقش برجسته ای در سوریه نمیتواند داشته باشد. از این مقطع به بعد، بویژه در دو سال گذشته علیرغم عضویتش در ناتو قدم به قدم از جبهه آمریکا و غرب فاصله گرفت و به جبهه روسیه نزدیک شد.

این نزدیکی ترکیه به روسیه، دو علت داشت. اول اینکه دولت ترکیه با وجود اینکه ادعای ارضی از سوریه داشت و اقتدار دوران عثمانیها را میخواست زنده کند و عضو ناتو بود و هزینه زیادی کرده بود که اسد سرنگون بشود و ... به هیچ کدام از اهدافش نرسید. اردوغان تلاش زیادی کرد با تسلط داعش اقتدار دوران عثمانیها را زنده کند. برای رسیدن به امیالش امید زیادی به تفوق داعش در سوریه و عراق بسته بود. دوم اینکه سیاست آمریکا و غرب چیزی سوای امیال اردوغان بود.

آمریکا و متحدینش برای رسیدن به استراتژی خود تا زمانی که با سیاستهای اردوغان همراهی کردند چیزی عایدشان نشد و ناچار شدند به ماندن اسد تن بدهند. تمام نیروهایی که زیر نظر فرماندهان ارتش اردوغان در خاک ترکیه آموزش دادند و قرار بود ارتشی پروغربی در سوریه تشکیل بدهند بعد از مدت کوتاهی با هدایت دولت اردوغان همه آنها به داعش پیوستند.

از نیمه دوم سال ۲۰۱۴ سیاست غرب بویژه آمریکا قدم به قدم فاصله خود را از سیاست اردوغان نشان داد. هنگامیکه آمریکا و دولتهای غربی برای شکست داعش و در دفاع از نیروهای مسلح کردستان سوریه و عراق وارد جنگ با داعش شدند اردوغان از نقش آمریکا و غرب نامید شد. از این مقطع به بعد تنش میان دولت ترکیه و غرب بیش از پیش نمایان شد. دولت روسیه فرصت را غنیمت شمرد و مستقیما با قدرت نظامی و اتکا به نیرو هوایی جنگی خود صحنه سیاست و جنگ در سوریه را متحول کرد. دولت ترکیه دخالت روسیه را بیش از هر کسی به ضرر خود میدانست و برای ایجاد تنش بزرگتر، یکی از هواپیماهای جنگی روسیه را هدف قرار داد و تنش میان روسیه و ترکیه بالا گرفت.

غرب علیرغم حمایت لفظی از دولت ترکیه که عضو ناتو بود در مقابل تهدید های روسیه علیه اردوغان اقدامی جدی در دستور قرار نداد. اقدامات تنبیهی روسیه اقتصاد و سیاست در ترکیه را بطور برجسته ای تحت تاثیر قرار داد. در چنین حالتی دولت ترکیه متوجه شد آمریکا و غرب هم تصمیم دارند که داعش و دیگر نیروهای تروریست اسلامی را به دلیل غیر مهار بودن و عملیات تروریستی ناامن کننده شکست بدهند. در چنین شرایطی اردوغان عمیقا احساس تحقیر و بازندگی کرد. زیرا هم غرب و هم روسیه ترکیه را دولتی فرصت طلب و سیاستهایش را بر خلاف منافع خود دانستند.

کودتای بخشهایی از ارتش ترکیه و رضایت ضمنی آمریکا و غرب از آن کودتا برای تغییر هیئت حاکمه ترکیه فرصتی شد که روسیه چراغ سبز دوستی به اردوغان نشان بدهد. از این مقطع نزدیکی اردوغان به روسیه وارد مرحله تازه ای شد. چنانچه بعدا مثلث روسیه ترکیه و جمهوری اسلامی ایران نقش برجسته تری نسبت به غرب در بحران سوریه بازی کردند.

آمریکا تلاش کرد برخلاف سیاست ترکیه با تقویت نیروهای مسلح کردستان سوریه هم جا پایی برای خود در این کشور باز کند و هم در شکست دادن داعش از آنها بیشترین استفاده را بکند. در نتیجه این اقدامات اردوغان برای برهم زدن نقشه آمریکا جنگ با پ.ک.ک را از سر گرفت و نیروهای متحد آمریکا در کردستان سوریه را تروریست نامید.

آمریکا با توجه به توانای نیروهای مسلح کردستان سوریه علیه داعش و تسلط اش بر این نیرو که توان و امکان امر و نهی کردن و فرماندهی مستقیم آنها را بدست آورده بود در مقابل فشارهای ترکیه کوتاه نیامد. نتیجه این تحولات به جایی رسید که تقریبا تمام مناطق مرز مشترک سوریه و ترکیه تحت تسلط نیروی مسلح کردستان سوریه که خود را متحد پ.ک.ک میداند (ی.پ.گ) قرار گرفت.

در این میان ترکیه درهماهنگی با روسیه وارد خاک کردستان سوریه شد و مناطقی از کردستان سوریه را اشغال کرد چنانچه مناطق کرد نشین شمال سوریه را به دو قسمت تبدیل کرد. با این اقدام، ترکیه توانست خط ارتباطی عفرین و کوبانی را قطع کند. اکنون با اشغال عفرین به عنوان اولین قدم میخواهد با قدرت نظامی، کل مناطق کرد نشین را اشغال کند و به تسلط ی.پ.گ بر این مناطق پایان بدهد و نیروهای اسلامی متحد خود را آنجا مستقر کند. کاری که قبلا همراه متحدین غربیش انجام داد اکنون میخواهد به تنهایی و با چراغ سبز روسیه آنرا احیا کند.

**توافق ترکیه و روسیه در جنگ عفرین**

چنانچه قبلا گفتم نیروهای مسلح ی.پ.گ با حمایت آمریکا کل مناطق کردنشین شمال سوریه که قبلا در دست داعش بود را به تصرف درآوردند. عفرین تنها منطقه ای در شمال سوریه بود که آمریکا در آنجا نیرویی نداشت. روسیه بعد از تصرف حلب وارد ارتباط با ی.پ.گ شد. آنها توافق کردند که روسیه در این منطقه یک پایگاه نظامی داشته باشد. اگرچه آمریکا از این توافق خشنود نبود اما ی.پ.گ هم فکر میکرد رابطه اش با دو قدرت جهانی در این منطقه امکان مانور بیشتری به آنها میدهد.

ولی هر کسی که کمی از سیاست فهمیده بود میدانست که دوستی روسیه و ترکیه منافع بسیار بزرگتری برای روسیه دارد و هر آن ممکن است معامله ای بین آنها صورت بگیرد و ی.پ.گ را قربانی کند. چنانچه قبل از شروع جنگ اخیر عفرین روسیه و ترکیه توافق کردند که پایگاه نظامی روسیه از این منطقه برچیده شود تا راه حمله ارتش ترکیه هموار گردد. اما سوال این است چرا روسیه به این معامله تن داده است.

طبق اظهارات کارشناسان و مقامات نظامی روسیه قبل از این توافق روسیه از ی.پ.گ خواسته است که ارتش سوریه وارد منطقه عفرین بشود و حاکمیت دولت سوریه را بپذیرد. اما ی.پ.گ به دلیل مخالفت آمریکا با این معامله پیشنهاد روسیه را نپذیرفته است. روسیه هم طبعا نمیخواهد رابطه اش با ترکیه را قربانی منافع کوچکتر و غیر استراتژیک کند. اکنون بعد از حمله ترکیه به خاک سوریه مخالفت شدید سوریه را به دنبال داشته و جمهوری اسلامی هم دل خوشی از آن ندارد. روسیه ناچارا بعد از پنج روز از آغاز حمله ارتش ترکیه به این منطقه سیاست کمی متفاوت در پیش گرفته است و اعلام کرده است که ترکیه باید این جنگ را تمام کند.

**سیاست آمریکا نسبت به جنگ عفرین**

با آغاز جنگ ترکیه علیه عفرین دولت آمریکا مخالفتی نکرد. بعد از چند روز سکوت اعلام کرد "ما دغدغه های امنیتی ترکیه را میفهمیم اما باید راههای دیگری برای این مسئله در نظر گرفته شود." طبعا هر کسی میداند که سکوت آمریکا و موضع بینابینی اخیرشان به دلیل همان ناخشنودی رابطه ی.پ.گ و روسیه است. اکنون که روسیه آنها را فروخته است، آمریکا با سکوت و سیاست بینابینی خود دارد به آنها میگوید اگر به من اتکا نکنید این بلا بر سرتان می آید و ناچارا باید آنچه دیکته میکنم را اجرا کنید تا ما مانع تعرض دولت ترکیه بشویم.

**احتمالات آینده در کردستان سوریه**

بدون شک اتکای ی.پ.گ به آمریکا و روسیه آگاهانه است و طبق ماهیت سیاسی و طبقاتی آنها بازی در میان قدرتهای جهانی و منطقه ای و استفاده از شکافهای آنها یک سنت دیرینه احزاب ناسیونالیست کرد بوده است. در چنین شرایطی ترکیه فقط وقتی ناچار میشود جنگ را پایان دهد که ی.پ.گ خواست حاکمیت دولتهای آمریکا یا سوریه را در منطقه مورد نظر بپذیرد. یا باید رضایت بدهد ارتش سوریه به این منطقه برگردد و یا تماما خود را نیرویی تعریف کند که تحت فرماندهی فرماندهان آمریکایی قرار گیرد. آمریکا هم یک استراتژی مشخص در این منطقه دنبال میکند و در کردستان سوریه میخواهد آنها همراه نیروهای کردستان عراق در یک جبهه قرار گیرند و به دریای آزاد وصل بشوند. این طرح دراز مدت آمریکا اکنون با مانع نزدیکی روسیه و ترکیه مواجه شده است. اگر آمریکا بتواند این مانع را برطرف کند احتمال کمک آنها به ی.پ.گ دراز مدت تر خواهد بود. در غیر این صورت یک روزی آمریکا هم همانند روسیه این نیرو را به حراج خواهد گذاشت.

در هر دو حالت آینده ی.پ. گ. و حاکمیتش بنا به ماهیت آنها به توافقات و تعادل قوای دولتهای درگیر در بحران سوریه بستگی خواهد داشت.

**راه سوم و راه نجات مردم کردستان سوریه**

اما راه سومی هم هست. راه سوم راه مردم تحت ستم و مقاومت در مقابل همه جریانات سرکوبگر و ارتجاعی است. راه اعمال حاکمیت مردم و برقراری حکومتی آزاد با دخالت آزادانه شهروندان در تعیین سرنوشت خویش است. اما این راه سوم برای نیرویی که ماهیت ناسیونالیستی و بورژوایی دارد غیر عملی و غیر قابل تصور است. برخلاف جریانات و افرادی که از "حاکمیت آزادانه مردم" یا حتی "حاکمیت شورایی" در این منطقه گفته و نوشته اند، هیچ انتخاباتی در این منطقه صورت نگرفته است. در این منطقه حاکمیت حزب برقرار است و اعمال میشود. تا کنون حتی یک مورد انتخابات برای اداره جامعه و نوعی از حاکمیت مردم در هیچ نقطه ای از این منطقه اتفاق نیفتاده است. آنچه در مورد حاکمیت مردم و شورا و ... در این منطقه نوشته و گفته شده مطلقا حقیقت ندارد، فقط توهمات گویندگان و نویسندگان این مسائل است. تنها انتخاباتی که بشکل بسیار ناقص حتی ناقص تر از انتخاباتهای مرسوم دولتهای بورژوایی انجام شده انتخابات شهرداریها بوده است. بنابر این دفاع ما از مردم ساکن این منطقه و مخالفت ما با حمله دولت ترکیه به این منطقه، ربطی به ماهیت احزاب حاکم آنجا ندارد. همه احزاب حاکم آنجا ناسیونالیستی، اسلامی و بورژوایی هستند. اما کمونیستها وظیفه دارند در مقابل نیروهایی مانند داعش و اردوغان و جمهوری اسلامی و ... از مردم ساکن این منطقه دفاع کنند و جنگ همین نیروها علیه ارتش ترکیه و داعش را بر حق بدانند. همچنانکه جنگ احزاب ناسیونالیست کردستان عراق علیه داعش را جنگی قابل دفاع دانستیم.